

دردی عزل ناگهانی رضا رحمانی از وزارت صمت، «فرهیختگان» قدرت سیاسی جناح‌های مختلف تشکیل دهنده دولت را بررسی کرد

سایه‌ی دولت

یکی دیگر از پیام‌هایی که عزل رضا رحمانی، وزیر صمت دولت دوازدهم و نقش محمود واعظی در این عزل را در افکار عمومی تداعی کرد دسته‌بندی‌ها و جناح‌بندی‌های سیاسی درون دولت بود. به این صورت که برخی کارگزاران در دولت به‌علت مناسبات گسترده و قدیمی، باوجود کارنامه‌های بسیار ضعیف و معیوب‌وغریب از دولت حذف‌شدنی نیستند و حتی زمانی که با فشار مجلس مواجه می‌شوند صرفاً از وزارتخانه‌ای به وزارتخانه دیگر نقل مکان می‌کنند و برخی دیگر که نسبت آنچنان نزدیکی با مرکزیت دولت ندارند، حتی به‌خاطر مقاومت دربرابر درخواست لابی در مجلس با وجود اینکه کارنامه

۱ دولت ائتلافی و جناح‌های تشکیل‌دهنده

وقتی دولت یازدهم تشکیل شد از یک‌سو به‌دلیل اینکه دولت نوبایی بود و هنوز چالش‌های جدی در مسیر فعالیت‌هایش مانند فروریختن برجام و بازگشت تحریم‌ها بروز نکرده بود و از سوی دیگر به‌دلیل اینکه حسن روحانی و نزدیکانش باید برخی ملاحظات سیاسی برای آینده را رعایت می‌کردند، صفت‌بندی و سایش‌های درونی دولت میان طیف‌ها و جناح‌های دخیل در تشکیل کابینه روشن نبود، اما بعدها و به‌ویژه بعد از تشکیل دولت دوازدهم که از یک‌سو چالش‌های کارکردی به‌صورت جدی خود را نشان داد و از سوی دیگر روحانی و نزدیکانش دیگر نیازی به رعایت برخی ملاحظات سیاسی ازجمله درنظر گرفتن رای آوری برای انتخابات‌های آتی را نداشتند، فضا به‌سمتی پیش رفت که درگیری‌ها و دسته‌بندی‌ها بیشتر از گذشته خود را نشان داد. از همان روزهای ابتدایی تشکیل کابینه دوم حسن روحانی خبرهای زیادی درخصوص غالبیت جریان قدیمی نزدیک به رئیس دولت یعنی جریان حزب اعتدال و توسعه برسر زبان‌ها افتاد و حتی تا جایی پیش رفت که گفته شد این‌جریان اسحاق جهانگیری را کنار زده و این‌عضو کارگزاران سازندگی آماده استعفا شده است؛ استعفایی که البته محقق نشد، اما حتی خود اسحاق جهانگیری هم حداقل دویار به‌صورت علنی به آن اشاره کرد؛ یک‌بار در گفت‌وگوی نوروزی با سالنامه روزنامه شرق و بار دیگر آن روزی که درخصوص عدم توانایی در تغییر منشی خود در یک همایش ملی سخن گفت. این چالش‌ها و درگیری‌ها البته در مقاطع مختلف و بین گروه‌های دیگر تشکیل‌دهنده دولت هم به تناوب بروز کرد. اگر بخواهیم در ابتدای بحث نگاهی کلی به جریان‌های تشکیل‌دهنده دولت ببندازیم باید همان تعبیر اولیه را که کارشناسان سیاسی برای دولت حسن روحانی استفاده می‌کردند، تکرار کنیم. دولت حسن روحانی چه در دوره یازدهم و چه در دوره دوازدهم مخرخ مشترکی از دولت‌های سازندگی و اصلاحات بود، هرچند جریانی نحیف و کم‌تعداد از اصولگرایان نزدیک به روحانی نیز در دولت پست‌هایی را برای خود و به‌خود اختصاص داده بودند.

۲ ائتلاف اصلاحات-اعتدال

گروه اول نزدیک‌ترین جریان به حسن روحانی که قوی‌ترین و پرنفوذترین افراد کابینه را شامل می‌شوند، اعضای اعتدال و توسعه به‌علاوه یکی دو نفری هستند که روابط شخصی نزدیکی با حسن روحانی دارند. رئیس دفتر رئیس جمهور در دولت دوازدهم به اضافه محمدباقر نوبخت و اکبر ترکان دیگر عضو حزب اعتدال و توسعه نمادهای آن هستند و از آن‌سو بیزن نامدار رنگینه و نفوذ وی در دولت گویای نسبت ویژه او با رئیس جمهور است. امروز و با ترکیب کنونی دولت، شاید بد نباشد که جریانی از اعضای کابینه را نوبختیون بنامیم، چراکه با تغییر و تحولاتی که در ادوار مختلف و در مقاطعی چون برخی عزل و نصب‌ها یا استیضاح‌ها رخ داد، کسانی جای نفرت قبلی را در کابینه گرفتند که از نزدیک‌ترین افراد به محمدباقر نوبخت بودند. فرهاد دژپسند که از آبان سال ۹۷ فعالیت خود را آغاز کرده است پیش از حضور در این جایگاه رئیس مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری معاون اقتصادی و هماهنگی سازمان برنامه‌وبودجه را در دولت یازدهم برعهده داشت. سعید نمکی که بعداً جای قاضی‌زاده‌هاشمی را در دولت گرفت هم به‌همین صورت، یعنی پیش از حضور در وزارت بهداشت معاونت سازمان برنامه‌وبودجه را برعهده داشت. ناگفته نماند که سیدحسن قاضی‌زاده‌هاشمی مانند بیژن رنگینه ازجمله کسانی بود که کمتر برندهای سیاسی را نمایندگی می‌کرد و بیشتر به‌واسطه نسبت شخصی با حسن روحانی در کابینه مسئولیت داشت و البته او هم مورد حمایت دفتر رئیس جمهور بود. ازجمله دیگر این افراد می‌توان از محمدجواد آذری جهرمی جایگزین محمود واعظی در وزارت ارتباطات هم نام برد. ناگفته نماند برخی محمد شریعتمداری وزیر سابق صمت و متصدی کنونی وزارت کار را هم باوجود سابقه فعالیت در دولت اصلاحات جزء این دسته تحلیل می‌کنند. گروه دوم اصلاح‌طلبان هستند، از این جمع که کم‌تعداد هم نیستند برخی مانند اسحاق جهانگیری مستقیماً از شورای مرکزی حزب کارگزاران به دولت وارد شدند یا مسعود مظلومی‌فر را هم که سابقه حزبی قابل‌توجهی در میان اعضای اعتماد ملی دارد، می‌توان نام برد و همچنین برخی دیگر که از فعالان اصلاح‌طلب هستند، اما برند یک حزب خاص را کمتر نمایندگی کرده‌اند. علی ربیعی فرد پرنفوذ دولت اصلاحات، معصومه ابتکار، عیسی کلانتری، رضا جحتی و نهایتا محمدجواد ظریف ازجمله این افراد هستند. گروه سوم اما کرسی کمتری در دولت دارد. آنها عمدتاً کسانی هستند که نسبت نه‌چندان دوری هم با اصولگرایان دارند و عمدتاً به‌واسطه حمایت‌هایی که برخی افراد ازجمله علی لاریجانی یا افراد پرنفوذ دیگر از آنها داشتند، توانستند به‌عنوان وزیر در دولت حسن روحانی به فعالیت بپردازند. بارزترین نمونه آن عبدالرضا رحمانی‌فضلی وزیر کشور و رئیس سابق دیوان محاسبات در دوران تصدی علی لاریجانی بر قوه مقننه است. دیگری وزیر تازه‌معزول صمت رضا رحمانی است که او هم سابقه ریاست بر کمیسیون صنایع مجلس را در کارنامه دارد و نفر آخر هم سیدمحمود علوی وزیر اطلاعات است.

۳ ۱۴ ماه «اوج درگیری»

جناح‌بندی‌هایی که در بلا‌عنوان شد در برهه‌ای ۱۴ ماهه با یک اوج معیوب‌وغریب به چالش مهم و اساسی دولت تبدیل و بعضاً موضوع روز سیاست کشور شد. حد فاصل تابستان ۹۶ یعنی روزهای تعیین و معرفی

سیاست

دردی عزل ناگهانی رضا رحمانی از وزارت صمت، «فرهیختگان» قدرت سیاسی جناح‌های مختلف تشکیل دهنده دولت را بررسی کرد

قابل دفاعی در قیاس با دیگر وزرای دولت دارند، به‌سرعت کنار گذاشته می‌شوند. این شائبه البته برای اولین‌بار نیست که در حاشیه فعالیت دولت حسن روحانی بسیار پررنگ دیده می‌شود، چراکه از ابتدای فعالیت این دولت از آنجا که بسیاری از وزرا و معاونان براساس برخی مناسبات سیاسی انتخاب شده بودند، بعدها که چالش‌هایی برای هرکدام پیش آمد و بعضاً درگیری میان آنها شکل گرفت، بیشتر براساس نوع مناسباتی که با هسته مرکزی دولت داشتند، سرنوشت‌شان رقم خورد. نگاهی به آنچه در دو دولت حسن روحانی گذشته گویای واضحاتی درخصوص این موضوع است.

شود. کارگرانی‌ها در بیانیه جنجالی خود تاکید داشتند: «دولت فاقد گفتمان اقتصادی است و نسبتی با اندیشه اقتصاد آزاد ندارد. سیاست سرکوب ارز از آغاز اشتباه دولت بود و در ماجرای ارز ۴۲۰۰ تومانی به اوج خود رسید. تغییر مدیریت سازمان برنامه‌وبودجه یک ضرورت است و براساس آن باید کابینه اقتصادی دولت تغییر کند.»

۱ کرپاسچی علیه نوبخت

شاید مهم‌ترین بخش بیانیه نفاذانه کارگرانی‌ها، به نقش نوبخت و همفکران او در سازمان برنامه‌وبودجه مربوط می‌شد؛ جایی که می‌گفتند «دولت روحانی آکنده از بروکرات‌هایی است که جز به حفظ نظام ناکارآمد اداری موجود کشور و ارائه گزارش‌های مثبت از نهادهای پایین‌دست به نهادهای بالادست نمی‌اندیشند؛» هرچند فقدان استراتژی اقتصادی« نقد اصلی کرپاسچی و دوستانش به دولت روحانی و تفکر اقتصادی حزب اعتدال و توسعه بود. درواقع بیانیه تند و تیز کارگران، تیغ انتقاد خود را روی وزارت اقتصاد و بانک مرکزی هم کشید و عملکرد آنها را در حد یک صرافی و حسابداری ارزیابی کرد و از اینکه «مغز متفکر توسعه ملی» را تا سرحد «اداره کاغذی» تقلیل داده‌اند، گلایه کرد.

هنوز ۲۴ ساعت از بیانیه انتقادی کارگزاران نگذشته بود که حزب محمدباقر نوبخت یعنی اعتدال و توسعه به میدان آمد و بیانیه‌ای تند علیه حزب کارگزاران منتشر کرد. آنها جهانگیری، معاون اول روحانی را سیبل اصلی حملات خود قرار دادند و مدعی شدند کارگزاران در نگارش بیانیه خود از بزرگراش اجازت نگرفته است؛ نکته‌ای که البته همان زمان ازسوی کرپاسچی تکذیب شد.

۲ میدان داری واعظی همزمان با بی‌رمق شدن عملکرد معاون اول

بعد از این کنش‌وقوس‌ها اعلام شد افرادی همچون اکبر ترکان، مرتضی بانک و فاطمه هاشمی از اعتدال و توسعه کنار کشیدند و تنها اعضای فعال حزب دو عضو اصلی دولت یعنی نوبخت و واعظی هستند. این گمانه‌زنی‌ها احتمال پایان عمر سیاسی مؤثر حزب اعتدال و توسعه را تقویت می‌کرد، هرچند این روزها واعظی به‌عنوان رئیس دفتر رئیس جمهور مرد اول در سایه است و تمام عزل و نصب‌های وزرا ازجمله برکناری وزیر صمت زیرنظر او انجام می‌شود.

۳ چالش ربیعی-قاضی‌زاده و چند نکته

اختلافات ربیعی وزیر اصلاح‌طلب دولت با قاضی‌زاده‌هاشمی وزیر بهداشت یکی دیگر از اختلافات جنجالی وزرای روحانی بود که پای آن به رسانه‌ها نیز باز شد. ماجرای اختلاف این دو به روزهای آغازین عمر دولت یازدهم و زمانی که قرار بود طرح تحول نظام سلامت اجرایی شود، باز می‌گشت. اما اصل اختلاف چه بود؟ اوایل دی‌ماه سال ۹۵ حسن قاضی‌زاده‌هاشمی، وزیر بهداشت در انتقاد شدید از وزیر رفاه از بی‌توجهی مجموعه ربیعی به پزشکان گلایه کرد و گفت: «ظلم بزرگ دیگری که کرده‌ایم این است که ۱۲ سال پیش، سلامت مردم را به‌دست بنگاه اقتصادی دادیم. بنابراین سلامت مردم به وزارت رفاه رفت. اسم آن را گذاشتند رفاه و بنده معتقدم حیف این اسم است. این وزارت چه چیز برایش مهم است؟ برای او حقوق و سرمایه‌گذاری مهم است و بعد هم می‌گوید حقوق باید به‌دست کارگران و بازنشستگان برسد زیرا پزشکان وضعیت مالی خوبی دارند و این بدبختی ما شده است.» این جهمه سنگین وزیر بهداشت دولت علیه ربیعی با پاسخ قاطع وزیر رفاه روبه‌رو شد و او در حمایت از عملکرد خود گفت: «این حرف درست نیست. برخی می‌گویند پول درمان را سرمایه‌گذاری کردیم که باید بگوییم بنده وام گرفتیم و شرکت‌ها را گرو گذاشتیم و به درمان پرداخت کردم. تاکید می‌کنم که تمام پول درمان برای درمان خرج می‌شود و حتی به جای ۷ بیست‌وهفتم، ۹ بیست‌وهفتم پرداخت کرده‌ایم. بنده می‌توانم تمام حسابرسی‌های تأمین اجتماعی را شفاف نشان دهم، تمام هزینه‌های درمان در بخش درمان هزینه می‌شود و حتی بیشتر از آن.» اما پس از ادامه کشمکش بر سر هزینه‌های درمان بین وزارتخانه‌های رفاه و بهداشت، نمایندگان مجلس به انتزاع سازمان بیمه سلامت از زیرمجموعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و پیوستن آن به زیرمجموعه وزارت بهداشت رای دادند، البته این تفکیک درحالی بود که شرایط حکایت از مخالفت دولت با این اتفاق داشت. به‌رحال پس از این تصمیم مجلس و پایان دادن به غائله دو وزیر، ربیعی سعی کرد خودش نیز به این مناقشه که ظاهراً به اختلاف شخصی تبدیل شده بود، پایان دهد و بگوید «مشکل از طرح تحول نیست بلکه مشکل در محاسبات اشتباه کارشناسان بیمه بوده است.» در مقابل اما قاضی‌زاده‌هاشمی که به‌نظر می‌رسید همچنان دوست داشت تنور این اختلاف را گرم نگه دارد، یادآور شد: «خوشحالم که دکتر ربیعی به شخصی تبدیل شده بود، پایان دهد و بگوید «مشکل از طرح تحول نیست بلکه مشکل در محاسبات اشتباه کارشناسان بیمه بوده است.» در مقابل اما قاضی‌زاده‌هاشمی که به‌نظر می‌رسید همچنان دوست داشت تنور این اختلاف را گرم نگه دارد، یادآور شد: «خوشحالم که دکتر ربیعی به مجادله این دو وزارتخانه پایان داد. ما هم از روز اول می‌گفتیم که طرح تحول سلامت مشکلی ندارد اما برخی دوستان آدرس اشتباه می‌دانند.» با این حال اما چالش بیمه‌ها با وزارت بهداشت ذیل طرح تحول سلامت به‌طور کلی حل نشد تا آنجا که در زمان تشکیل دولت دوازدهم دو جریان حامی دولت در رسانه‌ها صف‌آرایی کردند، یکی حامی ربیعی و دیگری حامی قاضی‌زاده‌هاشمی. در آن روزها حتی خبرهای خداحافظی قاضی‌زاده‌هاشمی از دولت هم منتشر شد. نهایتاً اما دولت با حضور هر دو نفر تشکیل شد

درحالی که درگیری‌ها باقی بود و نهایتاً کار به‌جایی کشید که در مردادماه با استیضاح علی ربیعی این درگیری برای همیشه پایان یافت. در آن زمان شایع شده بود که دولت پشت علی ربیعی را در مجلس خالی کرده است.

گفت‌وگو

محمد کاظم انبارلویی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

دولت ائتلافی منجر به ناکارآمدی گسترده شده‌است

محمدکاظم انبارلویی، کارشناس مسائل سیاسی و عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درخصوص جریان‌شناسی نطه‌های داخلی دولت و نقاط تقاطع و اشتراک آنها اظهار داشت: «دولت کنونی محصول ائتلاف اصلاح‌طلبان، برخی جریان نئولیبرالیسم، اصولگرایان تجدیدنظرطلب و برخی عناصر باقی‌مانده از فتنه ۸۸ است.»

ناکارآمدی محصول یک دولت متناقض است

انبارلویی با بیان اینکه مطالبی که از چنین دولتی در باب کارآمدی و فعل آن بیرون می‌آید قاعدتاً متناقض خواهد بود، ادامه داد: «جریان مسلط بر دولت که قاعدتاً باید به فکر کارآمدی دولت باشد، جریان اصلاح‌طلب است که هیچ‌گاه به فکر پاسخ به مطالبات معیشتی مردم نبوده است.» عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه افزود: «طبق نظرسنجی‌های صورت‌گرفته دولت نتوانسته است به شعارهایی که داده عمل کند و از این‌رو مجموعه‌ای از ناکارآمدی در حوزه سیاست، فرهنگ، اقتصاد و اجتماع به جا گذاشته است.»

وی حلقه وصل نطه‌های مختلف فکری دولت را اعتماد به غرب برشمرد و گفت: «این دولت همه شانس خود را در سید برجام گذاشت اما اواما و ترامپ با لگد بر این سید تحلیل‌های آنها را به هم ریختند اما با وجود این هنوز شاهد هستیم رئیس دولت برجام را دارای خیر و برکت می‌داند.»

حلقه وصل نطه‌های داخلی دولت در سیاست خارجی اعتماد به آمریکا بود

به گفته انبارلویی، اساس حرکت نطه‌های داخلی دولت در سیاست خارجی اعتماد به غرب به‌ویژه آمریکا بود و یک باور قدیمی به آنها می‌گفت با توافق مشکلات ما با غرب حل می‌شود. وی با اشاره به نقش رئیس دفتر رئیس جمهور در عزل و نصب وزرا، تصریح کرد: «ما نمی‌توانیم بگوییم وزرا هرکدام یک ضلع از ائتلاف دولت هستند اما آنچه باعث برکناری وزیر صمت شد، این بود که ظاهراً او در ارتباط با تصمیم لایحه وزارت بازرگانی دیدگاه‌های دولت را تأمین نکرد و آنها نیز از اختیارات رئیس جمهوری استفاده و او را برکنار کردند.»

دیدگاه‌های اضلاع فکری دولت به‌صورت شناور است

انبارلویی درعین‌حال خاطرنشان کرد: «اگر بررسی کنیم هریک از اعضا چه سهمی از دولت ائتلافی دارند، شاید به نتیجه قطعی نرسیم چراکه دیدگاه‌های اضلاع به صورت شناور است و ممکن است یکی در کارگزاران باشد اما دیدگاه حزب نوبخت را ببپذیرد یا بالعکس لذا مرزبندی مشخصی ندارند.»

تشریح نقاط تقاطع گروه‌های داخلی دولت

این فعال سیاسی درباره نقاط تقاطع گروه‌های داخلی دولت و تمرکز گفتمانی هریک از آنها اظهار داشت: «ما ابتدا با جریان اصلاح‌طلبی روبه‌رو هستیم که یک ضلع یا بخشی از این جریان سر در آخور غرب و توطئه‌های انقلاب رنگی داشته و از این‌رو هیچ نسبتی با ملت ندارد اما یک ضلع یا بخشی دیگر از اصلاح‌طلبان نیز به انقلاب، اسلام و رهبری اعتقاد دارند و زیر بار جریان‌های براندازانه نمی‌روند.»

تناقض درون جریان اصلاح‌طلب آنها را به وادی خطرناکی در ۲ دهه اخیر کشانده است

وی با بیان اینکه این تناقض درون جریان اصلاح‌طلب آنها را به یک وادی خطرناکی در دو دهه اخیر کشانده است، یادآور شد: «فتنه‌های سال ۷۸ و ۸۸ زیر سر همین جریان بود و هرچه دلسوزان کشور نصیحت کردند که خط خود را از خط گرایش به لندن و واشنگتن متمایز کنید، آنها زیربار نرفتند.»

به گفته انبارلویی برخی اغتشاشات در حوزه اقتصاد و ناکارآمدی‌ها زیر سر همین جریان است که نمی‌خواهند دولت موفق شود و همین قشر حقوق نجومی می‌گیرند و کاری هم نمی‌کنند. این فعال سیاسی نطه دوم در دولت را جریان کارگزاران عنوان کرد و ادامه داد: «آنها سعی دارند درون نظام باشند و با جریان برانداز همراهی نکنند؛ جریان نوبخت و روحانی نیز خط دیگری هستند که منبایشان روی عقلایت سیاسی است اما کارکرد آنها خلاف عقلایت سیاسی است.»

شبه‌اصولگرایان جریان سالم‌تر دولت هستند

وی محصول این اضلاع متفاوت و متخالف را ناکارآمدی توصیف کرد و درباره نطه چهارم دولت گفت: «شبه‌اصولگرایان جریان سالم‌تر دولت هستند و سعی می‌کنند طبق قانون اساسی و تأمین نظرات مردم کار کنند اما تعدادشان در دولت غالب نیست.»

